

تعاون و کشاورزی، سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۵

عوامل مؤثر بر تولید و اشتغال‌زایی تعاونی‌های زودبازده در بخش کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد

سید یعقوب زراعت کیش^{۱*}، البرز محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۸

چکیده

هدف از این مطالعه بررسی عوامل مؤثر بر تولید و اشتغال‌زایی بنگاه‌های تعاونی کوچک و متوسط (زودبازده) بخش زراعی، باغی و کارخانه‌ای مرتبط با بخش کشاورزی و روستایی روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد و همچنین آسیب‌شناسی و تعیین مشکلات و چالش‌های پیش روی توسعه این بنگاه‌ها در راستای دستیابی به مهم‌ترین راهکارهای تسهیل خلق فرصت‌های کارآفرینی در این بنگاه‌ها بود. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۷۵ تعاونی کوچک و متوسط در روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد بود که فعالیت‌های مرتبط با بخش زراعی، باغی و کارخانه‌ای داشتند و از میان آنها ۱۱۵ شرکت کوچک و متوسط بر اساس جدول کرجسی و مورگان و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. این پژوهش با روش‌های آماری رگرسیونی و سایر آزمون‌های تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی انجام گرفت. اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری و با نرم افزار *views* و *spss* تجزیه و تحلیل شدند. نتایج به طور خلاصه نشان داد که تعداد دفعات اخذ وام، تعداد بیشتر اقساط و سرمایه اولیه به صورت معناداری در موفقیت تعاونی‌ها در ایجاد اشتغال تأثیرگذارند. همچنین فرض برابری اهمیت مشکلات از دیدگاه پاسخگویان رد شد. به این ترتیب، چالش‌های مورد آزمون از دید پاسخگویان با درجات متفاوتی در جهت تضعیف بنگاه‌های زودبازده تأثیرگذار بودند. در این باره، مشکل نبود سیستم حمل و نقل و انبارداری مناسب بیشترین تأثیر را داشت و بعد از آن مشکل کمبود سرمایه اولیه و نقدینگی برای ادامه فعالیت و مشکل نبود تخصص و مهارت کافی در رتبه‌های بعدی قرار داشتند و کمترین تأثیر مربوط به مشکل نبود اطلاعات کافی در تولید و بازار بود.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، اعتبارات، بنگاه‌های کوچک و متوسط، بخش زراعی و باغی

۱. استادیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران

E-mail: drzeraatkish@gmail.com

* نویسنده مسئول

۲. مدیر کل تعاونی‌های تولیدی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی

مقدمه

حدود دو دهه است که بحث درباره بنگاه‌های کوچک و زود بازده و کارآفرین در دنیا مطرح می‌باشد و کشورهای مختلف یکی از سیاست‌های اصلی خود را توسعه این بنگاه‌ها قرار داده‌اند. در ادبیات اقتصادی، بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs)^۱ واحدهای تولیدی و تجاری هستند که در مقیاس کوچک فعالیت می‌کنند (Sharp et al., 1998). معمول‌ترین و مهم‌ترین شاخص جهت تعریف اندازه بنگاه‌های کوچک و متوسط، تعداد کارکنان بنگاه است. اگرچه این شاخص در کشورهای مختلف دنیا به لحاظ تعداد متغیر است، اما بیشتر کشورها بنگاه‌های کوچک و متوسط را به لحاظ تعداد شاغلان در طیف معینی از ۱ تا ۲۵۰ کارکن تعریف می‌کنند (Pratt, 2000). در ایران نیز با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، فضا برای فعالیت کارآفرینان مساعدتر شده و آیین‌نامه گسترش بنگاه‌های کوچک، زود بازده و کارآفرین مورد تصویب قرار گرفته است. طبق این آیین‌نامه، چنین بنگاه‌هایی مشتمل بر کمتر از ۵۰ نفر کارگرند که عمدتاً در بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن فعالیت می‌کنند و از آنجا که باید حداکثر طی ۱۲ تا ۱۴ ماه به بهره‌برداری برسند، زود بازده نام گرفته‌اند. به همین جهت، دولت طبق آیین‌نامه فوق، با اعطای تسهیلات و واگذاری اعتبارات، سعی در گسترش این بنگاه‌ها دارد. از مهم‌ترین اهداف ایجاد بنگاه‌های زودبازده اقتصادی ایجاد اشتغال می‌باشد (بیدختی، ۱۳۸۸). این بنگاه‌ها از طریق کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد بر اقتصاد جهانی تأثیرگذارند (Hill, 2006). همچنین به‌سادگی بیشتر می‌توانند خود را با تغییرات پرشتاب محیطی منطبق کنند و نسبت به عوامل اقتصادی و سیاسی سریع‌تر واکنش نشان دهند (Graham et al., 1984).

تحولات اخیر و به‌ویژه فشارهای جمعیتی و نوآوری‌های لحظه به لحظه، پیچیده‌تر شدن فرایندهای مدیریتی و تصمیم‌گیری و نیاز به تصمیم‌گیری‌های آنی و ضروری و تجارب حاصل از فعالیت‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط، اهمیت این بنگاه‌ها را نمایان‌تر می‌سازد

1. Small to- Medium-Sized Enterprises

(Horgan, 2001). اشتغال جدید و پایدار در این بنگاه‌ها زمانی ایجاد می‌گردد که این بنگاه‌ها دارای رونقی در عرصه تولید باشند و به رشد مداومی در این زمینه دست یابند (Matambalya, 2001).

امروزه سرمایه‌گذاری در بیشتر استان‌های کشور به سمت بنگاه‌های کوچک و متوسط سوق داده شده است به طوری که کشور ما دارای قریب به ۵/۱ میلیون کارگاه کوچک و متوسط و ۳۶۵ هزار کارگاه زیر ۶ نفر است. این گونه شرکت‌ها حدود ۲۰ درصد از ارزش تولیدات صنعتی را ایجاد می‌کنند و درصد بالایی از اشتغال کشور از طریق این بنگاه‌ها ایجاد می‌شود. بدیهی است سرمایه‌گذاری برای تأسیس SMEها بدون نظارت‌های کافی و در یک فضای کسب و کاری که فعالیت‌های دلالتی بسیار بیشتر از فعالیت تولیدی است، نمی‌تواند موجبات اشتغال‌زایی را فراهم کند (Carter, 2002).

بخش زیادی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در دنیا و ایران به صورت تعاونی اداره می‌شوند. در ایران تعاونی به عنوان یکی از سه بخش نظام اقتصادی کشور. طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، به فعالیت در بخش‌های مهم اقتصادی می‌پردازد و کشاورزی نیز از جمله بخش‌های مهم اقتصادی است که معیشت غالب سکونتگاه‌های روستایی است، بنابراین، تعاونی کشاورزی می‌تواند به ابزاری جهت ایجاد انگیزه در توسعه اقتصادی تبدیل شود و به طبع در توسعه اقتصاد کشاورزی و روستایی تأثیر بسزایی دارد. براساس اهداف تعیین شده برای بخش تعاون در ماده ۱۰۲ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت موظف به توسعه بخش تعاون در اقتصاد ملی بر اساس اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی است. به هر حال، تعاونی‌های تولید در جامعه روستایی نقش مؤثری در بازتولید منافع حاصل از بخش کشاورزی، پایین آمدن ریسک پویا و مولد، توسعه و مشارکت مردمی در بخش کشاورزی و کاهش هزینه‌های دولتی در تولید ایفا می‌کنند. نقش تعاونی‌ها در ایجاد رشته‌فعالیت‌های تولیدی کوچک و متوسط زودبازده در تولید و اشتغال بیشتر، مطابق سهمی که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و برنامه‌های توسعه، خصوصاً برنامه توسعه ششم، برای تعاونی‌ها در این زمینه پیش‌بینی شده است می‌تواند چشمگیر باشد (مظفری، ۱۳۸۶). از این‌رو وضعیت اعتبارات برای تشکیل تعاونی‌های کوچک و متوسط بایستی به سمت و سوی سوق یابد که بتواند

به عنوان عامل محرک و انگیزش، در جهت رشد این تعاونی ها و در نتیجه، کاهش بیکاری آنها باشد (Horgan, 2001).

در بخش کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد بیش از ۲۷۰ تعاونی غیرفعال با بیش از ۵۰۶۰ عضو و ظرفیت اشتغالزایی ۳۴۰۰ نفر و همچنین ۶۹۳ تعاونی فعال و نیمه فعال با مجموع ۵۶۱۵ عضو وجود دارد؛ بنابراین، مسئله بدیهی در این مورد آن است که اقتصاد استان از توان بخش بسیار زیادی از تعاونی های کشاورزی استان بی بهره مانده است که درصد بالایی از آن را تعاونی های کوچک و متوسط تشکیل می دهند (وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۵).

براساس مطالب پیش گفته و با توجه به لزوم ایجاد فرصت های رشد برای تعاونی های صنایع کوچک و متوسط و رفع مشکلات و چالش های آنها و نیز اهمیت این مقوله برای دولت و از سویی، کثرت واحدهای کوچک و متوسط در استان، مطالعه حاضر را بر آن داشته است تا به بررسی عوامل مؤثر بر تولید و اشتغالزایی این تعاونی ها و نیز به آسیب شناسی و شناسایی مشکلات این بنگاه ها پردازد.

در ارتباط با موضوع تحقیق، مطالعات مختلفی در داخل و خارج صورت گرفته که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می شود.

میر لطفی و همکاران (۱۳۹۴) در منطقه دیشموک استان کهگیلویه و بویراحمد به آسیب شناسی بنگاه های زودبازده روستایی پرداختند و نتیجه گرفتند که به ترتیب، خرید ارزان محصولات و موانع قانونی مهم ترین و کم اهمیت ترین مشکلات بودند.

بیدختی و همکاران (۱۳۸۸) با مطالعه تأثیر بنگاه های کوچک و متوسط بر کارآفرینی با استفاده از آزمون ساین به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای لحاظ شده برای SME ها در خلق فرصت های کارآفرینی رابطه تأثیرگذاری وجود دارد.

آبراهام و همکاران (Abraham et al., 2015) در مطالعه ای عوامل مؤثر بر رقابت پذیری رشته فعالیت های کوچک و متوسط در جمهوری چک را با استفاده از روش های آماری سری

زمانی مورد بررسی قرار دادند. مطابق نتایج، اندازه رشته‌فعالیت، سابقه رشته‌فعالیت و میزان نوآوری از عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری این بنگاه‌ها بودند.

جاندا و همکاران (Janda et al., 2013) مؤلفه‌های اصلی سوددهی بنگاه‌های کوچک اقتصادی را در اروپا با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی ارزیابی کردند. مطابق نتایج این مطالعه، اهداف سودآوری بنگاه‌های کوچک و اهداف محیط‌زیستی را می‌توان به صورت هم‌زمان در روستاها مورد ارزیابی قرار داد.

در این مطالعه نیز با توجه به اینکه بخش زیادی از تعاونی‌های زودبازده بخش کشاورزی با توان اشتغال‌زایی بالقوه مناسب، به صورت نیمه‌فعال یا غیرفعال می‌باشند، هدف، بررسی مهم‌ترین چالش‌های پیش روی توسعه و فعالیت تعاونی‌های زودبازده در منطقه مورد مطالعه بوده است. همچنین در این تحقیق، اولویت‌بندی هر یک از مشکلات، عوامل تأثیرگذار بر ضعف عملکرد و اشتغال‌زایی تعاونی‌ها نیز ارزیابی شده است.

روش‌شناسی تحقیق

جامعه آماری تحقیق ۱۷۵ بنگاه یا همان تعاونی کوچک و متوسط اقتصادی بوده که فعالیت‌های مرتبط با بخش کشاورزی (زراعی، باغی، کارخانه‌ای) داشتند. از این میان، ۱۱۵ شرکت کوچک و متوسط مستقر در سطح استان بر اساس جدول کرجسی و مورگان و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردیدند. سؤالات پرسش‌نامه تحقیق با توجه به متغیرهای رگرسیونی و متغیرهای مورد نیاز در تحلیل استنباطی طراحی گردید و با استفاده از روش اقتصادسنجی رگرسیون حداقل مربعات تعمیم‌یافته و با کمک نرم افزار Eviews، معادلات مختلف مربوطه - که چارت کلی و پیش‌بینی شده آنها در ادامه آمده است - تخمین زده شدند. در زیر به عوامل و متغیرهای احتمالی مؤثر بر اشتغال به طور مختصر اشاره می‌شود:

(Z1) E: سطح سواد مالک رشته‌فعالیت

(Z2) SE: میزان کارکرد رشته‌فعالیت

RE(Z3): رشته‌فعالیت‌هایی است که برای بار دوم یا سوم از تسهیلات بانکی استفاده کرده‌اند.

EG(Z4): میزان دستیابی به اهداف اشتغال‌زایی بنگاه‌ها

LM(Z5): دوره اقساط وام که با تعداد ماه‌های بعد از اخذ وام مشخص شده

DF(Z6): مرتبط بودن تحصیلات مدیر با نوع فعالیت بنگاه

I(Z7): سرمایه اولیه مدیر بنگاه

FI(Z8): میزان بدهی قبلی بنگاه بابت اخذ وام

KL(Z9): نسبت سرمایه به نیروی کار

GVS(Z10): حجم فروش بنگاه

MA(Z11): متغیر مجازی صنایع کارخانه‌ای در مقایسه با بخش تجاری است که چون در بخش

تجاری نسبت سرمایه به نیروی کار بیشتر می‌باشد، اشتغال‌زایی کمتر است.

DR(Z12): بنگاه‌هایی که بعد از چرخه اول یا دوم وام‌گیری، وامی نگرفته‌اند و شاید در آینده

دوباره اقدام به وام‌گیری نمایند و یا شاید وامی نگیرند.

TL(Z13): میزان کل نیروی کار (بر حسب روز) قبل از اخذ وام

RE*MA(Z14): رشته‌فعالیت‌های کارخانه‌ای است که چندمین بار از تسهیلات بانکی استفاده

کرده‌اند.

CW(Z15): نسبت سرمایه به نیروی کار در هر رشته‌فعالیت

بنگاه‌ها در مناطق مختلف استان در گروه‌های مختلف انتخاب شدند و بر اساس بنگاه‌هایی

که برای بار اول و دوم وام گرفته‌اند و بنگاه‌هایی که قصد گرفتن وام ندارند، تقسیم‌بندی شدند.

نکته قابل توجه آن است که بنگاه‌هایی که به صورت صنایع کارخانه‌ای و کارگاهی بودند نسبت به

سایر رشته‌فعالیت‌های موجود توان اشتغال‌زایی بالاتری داشتند؛ زیرا نسبت سرمایه به کار در این

نوع فعالیت‌ها نسبت به سایر رشته‌فعالیت‌ها کمتر می‌باشد. همچنین انتظار می‌رفت که با افزایش

اندازه بنگاه‌های اقتصادی، میزان ایجاد اشتغال برای هر واحد سرمایه کاهش یابد؛ به عبارتی، هر

اندازه رشته‌فعالیت‌های اقتصادی کوچک‌تر باشد، توان ایجاد اشتغال توسط بنگاه کاهش خواهد

یافت. در این مرحله، چارت و شکل کلی معادلات پیش‌بینی شده در مورد ایجاد اشتغال، که قرار است تخمین و برآورد شوند، در جدول ۱ نشان داد شده است.

جدول ۱. چارت و شکل کلی معادلات

| Variable | Eq1 | Eq2 | Eq3 | Eq4 | Eq5 | Eq6 |
|----------|-----|-----|-----|-----|-----|-----|
| GVS | • | • | • | • | • | • |
| MA | • | • | • | • | • | • |
| RE | • | • | • | • | - | - |
| DR | • | • | • | • | - | - |
| CW | | • | • | - | - | - |
| TL | | | • | • | • | • |
| SE | | | • | • | • | • |
| RE*MA | | | | | • | - |
| LM | | | | | | • |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جدول بالا تأثیر متغیرهای مختلف در اشتغال‌زایی بنگاه‌ها در معادلات مختلف و تأثیر متقابل احتمالی متغیرهای مختلف بررسی می‌شود.

$$EG=C+GVS+MA+RE+DR \quad \text{مدل شماره ۱:}$$

در این مدل، اشتغال ایجادشده به عوامل زیر بستگی دارد: حجم فروش ناخالص رشته‌فعالیت، متغیر مجازی صنایع کارخانه‌ای، متغیر مجازی رشته‌فعالیت‌هایی که برای بار دوم یا سوم از تسهیلات بانکی استفاده کرده‌اند و نیز بنگاه‌هایی که بعد از چرخه اول یا دوم وام‌گیری، وامی نگرفته‌اند و شاید در آینده مجدداً اقدام به وام‌گیری نمایند و یا شاید وامی نگیرند. بدیهی است که با افزایش حجم فروش بنگاه، میزان سودآوری بنگاه نیز افزایش می‌یابد و افزایش سودآوری منتج به افزایش اشتغال در بلندمدت خواهد شد.

از طرفی، به دلیل اینکه انتظار می‌رود صنایع کارخانه‌ای در مقایسه با سایر رشته‌فعالیت‌های تجاری از نسبت سرمایه به نیروی کار کمتری برخوردار باشند، بنابراین رشته‌فعالیت‌های کارخانه‌ای دارای توان بیشتری برای ایجاد اشتغال می‌باشند.

همچنین انتظار می‌رود که رشته‌فعالیت‌های تجاری که برای مرتبه دوم یا بیشتر اقدام به وام‌گیری نموده‌اند با توجه به تجربه بالاتری که در این راستا دارند و زمینه مناسبی که در این زمینه به وجود آمده، توانایی ایجاد اشتغال بیشتری خواهند داشت.

$$EG=C+GVS+MA+RE+DR+CW \quad \text{مدل شماره ۲:}$$

در مدل دوم نیز اشتغال ایجادشده به غیر از عوامل مختلفی مانند حجم فروش ناخالص رشته‌فعالیت، متغیر مجازی صنایع کارخانه‌ای، عامل متغیر مجازی رشته‌فعالیت‌هایی که برای بار دوم یا سوم از تسهیلات بانکی استفاده کرده‌اند و نیز بنگاه‌هایی که بعد از چرخه اول یا دوم وام‌گیری، وامی نگرفته‌اند، به عاملی با عنوان نسبت سرمایه به نیروی کار نیز بستگی دارد.

$$EG=C + GVS+MA+RE+DR+CW+ TL+SE \quad \text{مدل شماره ۳:}$$

در این مدل نیز علاوه بر متغیرهای ذکر شده در مدل‌های قبلی، دو متغیر میزان نیروی کار قبل از اخذ وام و متغیر اندازه بنگاه نیز از عوامل مؤثر بر میزان اشتغال ایجادشده می‌باشند. قاعدتاً بنگاه‌های بزرگ‌تر و گسترده‌تر قدرت ایجاد اشتغال بیشتری خواهند داشت هر چند به طور نسبی به صورت انفرادی میزان اشتغال ایجادشده برای این بنگاه‌ها از بنگاه‌های با اندازه کوچک‌تر کمتر خواهد بود.

$$EG=C + GVS+MA+RE+DR+ TL+SE \quad \text{مدل شماره ۴:}$$

در مدل شماره ۴ تمامی متغیرهای ذکر شده در مدل‌های قبلی به جز نسبت سرمایه به نیروی کار موجود می‌باشند. انتظار می‌رود که علامت متغیر نسبت سرمایه به نیروی کار منفی باشد چرا که برای ایجاد هر واحد اشتغال نیاز به سرمایه کمتری خواهد بود.

$$EG=C + GVS+MA + TL+SE + RE*MA \quad \text{مدل شماره ۵:}$$

در مدل شماره ۵، متغیر صنایع کارخانه‌ای که برای چند بار متوالی اقدام به وام‌گیری نموده‌اند، نشان داده شده است. در این متغیر به صورت هم‌زمان دو مفهوم تأثیرگذار مثبت در ایجاد اشتغال نهفته است؛ اول آنکه خود رشته‌فعالیت‌های صنایع کارخانه‌ای دارای تأثیری مثبت بر ایجاد اشتغال خواهند بود و دوم اینکه در رشته‌فعالیت‌های کارخانه‌ای که برای چندبار متوالی از وام استفاده نموده‌اند هر دو عامل به صورت توأمان در ایجاد اشتغال مؤثر خواهد بود (Walker & Webster, 2004).

$$EG=C + TL +E + LM +DF+I+FI \quad \text{شماره ۶:}$$

در مدل ششم نیز علاوه بر پارامترهای مورد اشاره، متغیر دوره اقساط بعد از اخذ وام مطرح می‌شود که به طور معمول یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر سوددهی بنگاه و در نتیجه بر افزایش اشتغال خواهد بود.

در ادامه این بررسی، آسیب‌شناسی تعاونی‌های مربوط به بنگاه‌های زودبازده با استفاده از اطلاعات پرسش‌نامه‌ای گردآوری و با آزمون‌های آماری پیرسون و فریدمن و به وسیله نرم‌افزار spss تجزیه و تحلیل می‌شود (Matambalya, 2001).

جامعه آماری تحقیق بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی در بخش زراعی، باغی و کارخانه‌ای مربوط به بخش بوده که فعالیت‌های مرتبط با آنها در بخش روستایی شکل می‌گیرد (Tipple, 2005). ۱۱۵ پرسش‌نامه بر اساس جدول کرجسی و مورگان و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای میان آنها توزیع گردید. در شکل ۱ مدل مفهومی تحقیق و چالش‌های بنگاه‌های زودبازده نشان داده شده است.



نتایج و بحث

نتایج آمارهای بهره‌برداری از ایجاد واحدهای صنعتی در ۶ سال اخیر و از سال ۱۳۸۳ تاکنون نشان می‌دهد که برای ایجاد هر واحد صنعتی با میانگین ۵ نفر نیروی کار رقمی حدود ۹۰۰۰ میلیون ریال در سال ۱۳۸۳ و حدود ۴۰ میلیارد ریال در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری شده است؛ به عبارت دیگر، برای ایجاد هر شغل صنعتی، به طور متوسط باید ۷۵۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری شود. برخی کارشناسان این رقم را برای سال‌های آینده حدود ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ میلیون ریال برآورد کرده‌اند. این موضوع در مقایسه با رقم ۱۸۰ میلیون ریالی ایجاد هر شغل در بنگاه‌های زودبازده نشان‌دهنده این واقعیت است که ایجاد هر شغل صنعتی ۴ تا ۶ برابر ایجاد شغل در بنگاه‌های زودبازده هزینه و سرمایه‌گذاری و تسهیلات بانکی لازم دارد. حتی اگر انحراف

طرح‌های زودبازده ۴۰ درصد باشد و برای ایجاد هر شغل واقعی در بنگاه‌های زودبازده، به ۳۰۰ میلیون ریال تسهیلات بانکی نیاز باشد، باز هم این رقم در مقایسه با رقم ۷۵۰ تا ۱۵۰۰ میلیون ریالی هزینه ایجاد شغل صنعتی بسیار کم‌هزینه‌تر است. البته برخی صاحب‌نظران معتقدند که شغل صنعتی، پایدار و با ثبات است اما شغل در بنگاه‌های زودبازده ناپایدار می‌باشد. در پاسخ باید گفت که اولاً بسیاری از شغل‌های صنعتی و تولیدی می‌توانند تحت تأثیر واردات بی‌رویه و تغییر در محیط کلان اقتصاد با ناپایداری باشند و بسیاری از کارخانه‌ها با ظرفیت کمتر و یا کمتر از نصف یا کار را تعطیل کنند یا موقتاً رها کرده باشند تا شرایط بهتر شود. ثانیاً ایجاد ۲۵ میلیون شغل برای جمعیت فعال در کشوری که رشد جمعیت ۴ درصدی را تجربه کرده و به سالی یک میلیون شغل جدید نیاز دارد تنها در بخش صنعت و کشاورزی امکان‌پذیر نیست و نباید انتظار داشته باشیم که طرح بنگاه‌های زودبازده، مشاغل خانگی و ... را کنار بگذاریم و تنها به صنعت و کشاورزی تکیه کنیم. براین اساس، هیچ چاره‌ای و راهکار کوتاه‌مدتی جز استفاده از بنگاه‌های زودبازده و مشاغل خانگی و طرح‌های ضربتی برای گسترش بخش خدمات وجود ندارد؛ زیرا باید به این پرسش پاسخ دهیم که در ۶ سال اخیر که کشور به سالانه یک میلیون شغل جدید نیاز داشته است چه راهکاری بهتر از بنگاه‌های زودبازده می‌توانست یک میلیون شغل را طی سه سال ایجاد نماید. در مورد ایجاد اشتغال و شناسایی عوامل مؤثر بر فرایند اشتغال‌زایی در بنگاه‌های اقتصادی زودبازده‌ای که با هدف ایجاد اشتغال ایجاد شده‌اند این مسئله قابل تشخیص است که محدودیت‌های اعتباری معناداری، فرایند افزایش مقیاس در بنگاه‌های اشتغال‌زا و زودبازده را با مشکل مواجه می‌سازد. بنابراین، رشته‌فعالیت‌ها وقتی که به نیروی کار بیشتری نیاز دارند و اشتغال بیشتری ایجاد می‌کنند قطعاً برای ایجاد چنین ظرفیتی نیاز به اندازه بیشتری خواهند داشت.

اندازه رشته‌فعالیت‌های مورد بررسی توسط حجم و میزان فروش قابل برآورد می‌باشد. واحدهای صنایع کارخانه‌ای در مقایسه با رشته‌فعالیت‌های تجاری دیگر قابلیت ایجاد اشتغال بیشتری خواهند داشت، زیرا نسبت سرمایه به نیروی کار در صنایع کارخانه‌ای نسبت به سایر رشته‌فعالیت‌ها بیشتر می‌باشد. اندازه نسبی بزرگ‌تر رشته‌فعالیت‌ها می‌تواند فرایند تولید اشتغال را

نسبت به رشته‌فعالیت‌های با اندازه کوچک‌تر تسریع نماید. میزان نیروی کار اولیه رشته‌فعالیتی که قرار است فرایند بررسی آن انجام گیرد نیز از عوامل مهم و تأثیرگذار بر رشد اشتغال ناشی از رشد رشته‌فعالیت می باشد.

بر اساس نتایج جدول ۱ انتظار می رفت که رشد در حجم فروش ناخالص به طور مثبتی با تولید اشتغال مرتبط باشد که مطابق نتایج این انتظار نیز محقق شده است. چنان که انتظار می رفت، واحد های صنایع کارخانه ای حتی بعد از اعمال کنترل نسبت سرمایه به نیروی کار، قدرت ایجاد اشتغال بیشتری خواهند داشت. کسانی که برای مرتبه دوم یا بیشتر اقدام به اخذ وام نموده‌اند، توانایی ایجاد اشتغال بیشتری در مقایسه با سایر افرادی داشته‌اند که برای اولین بار اقدام به وام گیری نموده‌اند. اما عامل کلیدی و تعیین کننده در ایجاد ظرفیت بیشتر برای اشتغال، اندازه اولیه نیروی کار قبل از اقدام به اخذ وام می باشد. نسبت سرمایه به نیروی کار اساساً واکنش حجم نیروی کار و اندازه رشته‌فعالیت‌ها قبل از اخذ وام می باشد، بنابراین، معرفی این دو عامل نسبت سرمایه به نیروی کار را غیر معنادار می سازد. ضریب منفی متغیر اندازه رشته‌فعالیت این فرضیه را تقویت می کند که رشته‌فعالیت‌های بزرگ‌تر کمتر کاربردند. رابطه متقابل بین صنایع کارخانه‌ای و تکرار وام‌گیری دارای علامت ضریب منفی است در حالی که ضریب صنایع کارخانه‌ای همچنان مثبت است که این موضوع می تواند به عنوان یک پیشنهاد مطرح گردد که صنایع کارخانه‌ای که برای اولین بار اقدام به گرفتن وام می نمایند در بار اول تعداد شغل بیشتری ایجاد خواهند نمود. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در این زمینه مربوط به رشته‌فعالیت‌هایی است که چندمین بار از وام استفاده کرده‌اند که در این زمینه میزان بهره‌وری آنها از سایر رشته‌فعالیت‌هایی که برای اولین بار اقدام به اخذ وام نموده‌اند بیشتر می باشد.

مطابق نتایج به دست آمده، رشته‌فعالیت‌هایی که چندمین بار اقدام به وام گیری کرده اند به طور چشمگیری بیش از سایر رشته‌فعالیت‌ها در ایجاد و افزایش اشتغال تأثیرگذار بوده‌اند. اما گفتنی اینکه بنگاه‌های وام گیرنده‌ای که برای اولین بار اقدام به وام گیری نموده‌اند، برخلاف نتیجه

تخمین رگرسیون به دست آمده مبنی بر تأثیر بیشتر بنگاه هایی که برای چندمین بار اقدام به اخذ وام نموده‌اند، ظرفیت بیشتری در اشتغال‌زایی ایجاد کرده‌اند.

عواملی که در رشد رشته‌فعالیت‌های با مقیاس کوچک مشارکت دارند، در بخشی از ویژگی‌ها، با سایر رشته‌فعالیت‌ها مشترک می‌باشند. مشخص است که عملکرد کلی رشته‌فعالیت‌های کوچک متفاوت بوده و فاکتورهایی که در رشد این رشته‌فعالیت‌ها مشارکت دارند کاملاً با رشته‌فعالیت‌های بزرگ‌تر متفاوت می‌باشند.

در بین تمامی مدل‌های تخمین‌زده‌شده، مدل شماره ۳ و همچنین مدل شماره ۶ بیشترین توجیه و سطوح معناداری را داشته‌اند.

چنان که در مدل‌های تخمینی زیر نیز نشان داده شده است، متغیر نسبت سرمایه به نیروی کار بیشترین تأثیرگذاری را نسبت به سایر متغیرهای موجود در این مدل داشته است و در ازای یک واحد تغییر در متغیر CW شاهد $0/42$ واحد تغییر در متغیر وابسته یا همان میزان ایجاد اشتغال خواهیم بود.

$$EG=C + GVS + MA + RE + DR + CW + TL + SE \quad (1)$$

$$EG=1.3+0.034GVS+0.024MA+0.21RE+0.33DR+0.42CW+0.019TL+0.26SE$$

$$(2/56) \quad (4/33) \quad 5/25) \quad (1/07) \quad (4/54) \quad (331) \quad (1/55)$$

در این معادله تخمینی، میزان حجم فروش (GVS) عامل تأثیرگذاری است که با افزایش هر واحد حجم فروش، میزان افزایش اشتغال به میزان $0/034$ واحد خواهد بود. از طرفی، متغیر صنایع کارخانه‌ای (MA) نیز همانند متغیر حجم فروش دارای تأثیر مثبت و معنادار بر میزان اشتغال می‌باشد با این تفاوت که متغیر صنایع کارخانه‌ای تأثیر کمتری نسبت به متغیر حجم فروش دارد. یادآوری می‌شود از آنجا که در بنگاه‌های کارخانه‌ای نسبت به بنگاه‌های تجاری نسبت سرمایه به نیروی کار بیشتر است، توانایی ایجاد اشتغال بالاتری نسبت به بنگاه‌های تجاری دارند.

همان‌طور که از معادله شماره ۱ نیز پیداست، متغیر رشته‌فعالیت‌هایی که برای چندمین بار از وام استفاده کرده‌اند (RE)، مطابق با انتظارات، دارای تأثیر معنادار و مثبت می‌باشد، لذا این

فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد که رشته‌فعالیت‌هایی که برای چندمین بار از وام استفاده کرده‌اند دارای بنیه مالی قوی‌تری‌اند و توانایی بیشتری در تولید و ایجاد اشتغال خواهند داشت.

همان‌طور که از معادله بالا پیداست، متغیر رشته‌فعالیت‌هایی که برای چندمین بار وامی نگرفته‌اند و شاید در آینده نیز اقدام به وام‌گیری نمایند (DR) و نیز متغیرهای TL و SE در معادله معنادار نشده‌اند.

در معادله زیر (۲) علاوه بر متغیر TL، متغیرهای دوره اقساط پس از اخذ وام، سطح تحصیلات مدیر رشته‌فعالیت، مرتبط بودن تحصیلات مدیر با نوع رشته‌فعالیت، سرمایه اولیه بنگاه و میزان بدهی قبلی بنگاه بابت اخذ وام وجود دارند.

$$EG=C + TL+E + LM +DF+I+FI \quad (2)$$

$$EG=0.54+4.5TL+0.7E+ 0.043LM+0.003DF+0.2I+0.036FI$$

$$(1/13) \quad (2/44) \quad (3/4) \quad (4/5) \quad (1/74) \quad (5/3) \quad (2/7)$$

همان‌طور که در معادله شماره ۲ نشان داده شده است، میزان سرمایه اولیه رشته‌فعالیت (I) تأثیر بسزایی در موفقیت رشته‌فعالیت و اشتغال‌زایی بنگاه دارد و ضریب آن معنادار شده است. سطح تحصیلات مدیر رشته‌فعالیت (E) و دوره اقساط بعد از اخذ وام (LM) نیز از متغیرهایی هستند که به طور مثبت و معنادار بر موفقیت بنگاه‌های اقتصادی تأثیرگذارند.

همچنین متغیر TL معنی‌دار شده ولی متغیر ارتباط تحصیلات مدیر با نوع رشته‌فعالیت (DF) معنادار نمی‌باشد هر چند متغیر میزان تحصیلات بر موفقیت مدیر بنگاه اقتصادی تأثیرگذار می‌باشد.

در معادله ۳، که عوامل مؤثر بر دستمزد مشخص است، اگر رشته‌فعالیت مربوط به صنایع کارخانه‌ای باشد، میزان دستمزد پرداختی نیز بیشتر خواهد بود.

مطابق نتایج، با افزایش حجم فروش و اشتغال نیز انتظار می‌رود که میزان دستمزد پرداختی افزایش یابد.

$$W=C+ MA+RE + DR+GVS+ EG \quad (3)$$

$$W=3.4 + 0.023 MA + 0.15 RE + 0.44DR + 0.014GVS + 0.41 EG$$

$$(2/0.2) \quad (3/6) \quad (2/5) \quad (2/7) \quad (3/23) \quad (3/0.3)$$

مطابق نتایج، متغیرهای DR و RE (تعداد چرخه‌های وام‌گیری و یا عدم وام‌گیری)، تأثیر معناداری در معادله تخمینی ندارند. بالغ بر ۵۴ درصد از حجم نمونه انتخاب شده، تعطیل و نیمه‌تعطیل بوده یا فعالیت ضعیف دارند (وزارت صنایع و معادن، ۱۳۹۲).

بررسی وضعیت بنگاه‌های مورد مطالعه نشان داد که رشته‌فعالیت‌هایی که برای چندمین بار از تسهیلات بانکی استفاده کرده‌اند در دستیابی به اهداف تولیدی و اشتغال موفق‌تر بوده‌اند. همچنین صنایع کارخانه‌ای مرتبط با سایر رشته‌فعالیت‌های تجاری از توان اشتغال‌زایی بالاتری برخوردار می‌باشند (وزارت صنایع و معادن، ۱۳۹۲).

مطابق یافته‌های تحلیلی تحقیق، برای مقایسه میزان تأثیر هر یک از چالش‌ها و مشکلات به عنوان مانعی برای توسعه بنگاه‌های زودبازده از آزمون فریدمن استفاده شد. این آزمون اختلاف نظر و یا عدم آن را در بین پاسخگویان از نظر درجه اهمیت چالش مشخص می‌سازد.

جدول ۲. نتایج آزمون فریدمن (مشکلات بنگاه‌های زودبازده از نظر پاسخگویان)

| تعداد | مقدار آزمون کای دو | درجه آزادی | سطح معناداری |
|-------|--------------------|------------|--------------|
| ۱۱۵ | ۷۵۴/۱۳ | ۹ | ۰/۰۰۰ |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس جدول ۲، در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض برابری اهمیت همه مشکلات و چالش‌های دهگانه از نظر پاسخگویان رد و نتیجه گرفته می‌شود که مشکلات و چالش‌ها با درجات متفاوتی در جهت توسعه بنگاه‌ها تأثیرگذارند. جدول ۳ نشان می‌دهد که مشکل نبود سیستم حمل و نقل و انبارداری مناسب با میانگین ۵/۴۲ و بعد از آن کمبود سرمایه اولیه و نقدینگی جهت ادامه فعالیت و نبود تخصص و مهارت کافی دارای بیشترین تأثیرند و کمترین تأثیر مربوط به نبود اطلاعات کافی در تولید و بازار با میانگین ۲/۶۵ بوده است.

جدول ۳. رتبه‌بندی چالش‌های بنگاه‌های زودبازده از منظر پاسخگویان

| رتبه | ضریب تغییرات | انحراف معیار | میانگین وزنی | نوع چالش |
|------|--------------|--------------|--------------|--|
| ۹ | ۰/۱۳۲ | ۰/۴۸۰ | ۳/۶۳ | مدت زمان و دوره بازپرداخت تسهیلات بانکی |
| ۱۰ | ۰/۲۰۴ | ۰/۵۴۲ | ۲/۶۵ | نبود اطلاعات کافی در تولید و بازار |
| ۸ | ۰/۲۴۶ | | ۴/۰۶ | ارتباط بین تحصیلات و کار |
| ۳ | ۰/۱۶۹ | ۰/۸۵۳ | ۵/۰۲ | نبود تخصص و مهارت کافی |
| ۴ | ۰/۲۵۰ | ۱/۲۳۵ | ۴/۹۲ | کمبود اعتبارات و حمایت مالی دولتی در روند فعالیت بنگاه |
| ۷ | ۰/۲۳ | ۰/۹۷۴ | ۴/۲۲ | دسترسی به مواد خام و اولیه |
| ۶ | ۰/۱۷۳ | | ۴/۵۷ | مشکلات فروش، بازار مناسب و دلالتان |
| ۵ | ۰/۲۰۶ | ۰/۹۸۷ | ۴/۷۷ | دیوانسالاری اداری و موانع قانونی |
| ۲ | ۰/۱۲۷ | ۰/۶۵۳ | ۵/۱۳ | کمبود سرمایه اولیه و نقدینگی جهت ادامه فعالیت |
| ۱ | ۰/۱۳۱ | ۰/۷۱۵ | ۵/۴۲ | فقدان سیستم حمل و نقل و انبارداری مناسب |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به مقدار میانگین مورد انتظار (عدد ۴) فقط دو مورد از مشکلات و آسیب‌ها شامل نبود اطلاعات کافی در تولید و بازار با میانگین ۲/۶۵ و مدت زمان و دوره بازپرداخت تسهیلات بانکی با میانگین ۳/۶۳ کمتر از میانگین مورد انتظارند و سایر موارد بالاتر می‌باشند (جدول ۳). همان‌طور که ذکر شد، مهم‌ترین کارکردهای SMEها از بعد ایجاد کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی ارزیابی می‌شود (میرلطفی و همکاران، ۱۳۹۴). جدول ۴ نتایج بررسی رابطه عوامل تأثیرگذار بر SMEها با ایجاد فرصت‌های شغلی و ایجاد اشتغال مورد انتظار و کارآفرینی را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج بررسی رابطه عوامل تأثیرگذار بر SMEها با ایجاد فرصت‌های شغلی

| متغیر مستقل | ضریب |
|--|------|
| دسترسی به مواد خام و اولیه | ۰/۳۶ |
| کاهش دیوانسالاری اداری و موانع قانونی | ۰/۲۸ |
| سرمایه اولیه و نقدینگی جهت ادامه فعالیت | ۰/۴۷ |
| سیستم حمل و نقل و انبارداری مناسب | ۰/۶۲ |
| تخصص و مهارت کافی | ۰/۲۵ |
| وجود اطلاعات کافی در تولید و بازار | ۰/۲۲ |
| مدت زمان و دوره بازپرداخت تسهیلات بانکی | ۰/۳۰ |
| اعتبارات و حمایت مالی دولتی در روند فعالیت بنگاه | ۰/۶۸ |
| کاهش مشکلات فروش، بازار مناسب و دلالتان | ۰/۷۱ |
| ارتباط بین تحصیلات و کار | ۰/۳۸ |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به آزمون همبستگی پیرسون، عوامل مؤثر بر خلق فرصت‌های شغلی SMEها در مناطق روستایی استان دارای رابطه یکسانی با متغیر خلق فرصت‌های شغلی نیستند. در میان عوامل تأثیرگذار بر اشتغال‌زایی، کاهش مشکلات فروش، بازار مناسب و دلالتان و نیز اعتبارات و حمایت مالی دولتی در روند فعالیت بنگاه از مهم‌ترین عوامل به شمار می‌آیند و عامل وجود اطلاعات کافی در تولید و بازار کمترین میزان رابطه را با کارآفرینی و اشتغال‌زایی در بنگاه‌های زودبازده از دیدگاه کارآفرینان داشته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به طور کلی می‌توان گفت که بنگاه‌های زودبازده با توجه به مزایایی که دارند می‌توانند منافع زیادی برای جامعه از نظر بهبود روند تولید و اشتغال داشته باشند. وضعیت فعالیت بنگاه‌های

مورد مطالعه در منطقه نشان می دهد که حدود نیمی از آنها در وضعیت نرمال فعالیت و تولید قرار ندارند و به صورت نیمه فعال یا تعطیل می باشند که بخش زیادی از فرصت های ممکن اقتصادی این بخش را از استان می گیرند. همچنین می توان گفت تعاونی ها سهم زیادی در مالکیت بنگاه های زودبازده منطقه مورد مطالعه ندارند و طولانی تر شدن دوره بازپرداخت تسهیلات بانکی، مطلوب بنگاه داران منطقه می باشد. دولت می تواند به منظور حمایت بیشتر از بنگاه های اقتصادی زودبازده در این بخش با توجه به اینکه ممکن است در سال های ابتدایی شروع فعالیت، بازدهی آن قدر بالا نباشد که قدرت بازپرداخت اقساط وجود داشته باشد، تعداد اقساط را بیشتر کرده و مقادیر هر قسط را کمتر نماید که نتایج مطالعه کراگ و کینگ (Cragg & King, 1988) نیز گویای همین نتیجه بوده است. فعالیت درصد بالایی از مالکان در یک رشته فعالیت مبین آن است که مالکان علاوه بر آنکه تجربه بالایی در فرایند تولید ندارند، از قدرت اقتصادی فوق العاده ای نیز برخوردار نیستند. بررسی وضعیت بنگاه های مورد مطالعه نشان داد که رشته فعالیت هایی که برای چندمین بار از تسهیلات بانکی استفاده کرده اند در دستیابی به اهداف موفق تر بوده اند که نتایج مطالعه ماتامبالیا (Matambalya, 2001) نیز مؤید تأثیر گذاری دفعات وام گیری بر عملکرد بوده است.

نتایج پژوهش نشان داد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض برابری میزان اهمیت همه مشکلات و چالش های دهگانه رد می شود به گونه ای که مشکلات و چالش های مورد آزمون با درجات متفاوتی در جهت تضعیف عملکرد و توسعه این بنگاه ها تأثیرگذارند. مشکل نبود سیستم حمل و نقل و انبارداری مناسب دارای بیشترین تأثیر است و کمبود سرمایه اولیه و نقدینگی جهت ادامه فعالیت و مشکل تخصص و مهارت کافی در رتبه های بعدی بودند و کمترین تأثیر مربوط به نبود اطلاعات کافی در تولید و بازار بوده است (مطابق با نتایج مطالعه Hill, 2006).

نتایج آزمون همبستگی در مورد مهم ترین عوامل مؤثر بر ضعف SME ها در خلق فرصت های شغلی نشان می دهد که در میان عوامل تأثیرگذار بر خلق فرصت های کارآفرینی و اشتغالزایی، کاهش مشکلات فروش، بازار مناسب و دلالت و نیز اعتبارات و حمایت مالی دولتی در روند فعالیت بنگاه از مهم ترین عوامل به شمار می آیند و عامل وجود اطلاعات کافی در تولید

و بازار کمترین میزان رابطه را با کارآفرینی در بنگاه های زودبازده از دیدگاه کارآفرینان داشته است.

با توجه به نتایجی که از تخمین معادلات مختلف در تحقیق به دست آمد، مشخص است که سطح تحصیلات مدیر رشته فعالیت های تولیدی به صورت معناداری بر موفقیت این بنگاه ها تأثیرگذار می باشد، بنابراین دولت می تواند اولویت سیاست های وام دهی خود را به سمت و سوی سوق دهد تا فعالانی که از تسهیلات ارزان قیمت دولتی استفاده می کنند تحصیلات بالایی داشته باشند.

با توجه به نتایج رگرسیون شماره ۲ و معنادار شدن متغیر سرمایه اولیه می توان پیشنهاد داد که اولویت های وام دهی به رشته فعالیت هایی اختصاص یابد که سرمایه اولیه و بینه مالی بالاتری دارند یا اینکه شرط اعطای تسهیلات برای بنگاه ها داشتن حداقل بینه مالی و سرمایه اولیه تعیین شده برای رشته فعالیت ها منظور شود.

با توجه به نتایج رگرسیونی معادله اشتغال، دولت می تواند به منظور حمایت بیشتر از بنگاه های اقتصادی زودبازده در بخش کشاورزی با توجه به اینکه ممکن است در سال های ابتدایی شروع فعالیت، بازدهی آن قدر بالا نباشد که قدرت بازپرداخت اقساط وجود داشته باشد، تعداد اقساط را بیشتر و مقادیر هر قسط را کمتر نماید.

با توجه به نتایج، مشاهده می شود که رشته فعالیت هایی که برای چندمین بار از تسهیلات بانکی استفاده کرده اند در دستیابی به اهداف موفق تر بوده اند، بنابراین بهتر است دولت حمایت های تسهیلاتی خود را به بنگاه ها در یک مقطع زمانی محدود نماید و اعطای تسهیلات به بنگاه ها تداوم داشته باشد. لذا ادامه اعطای تسهیلات بانکی و دولتی در طول فعالیت بنگاه به منظور تأمین نقدینگی ضروری است.

با توجه به نتایج تحقیق در زمینه رگرسیون شماره ۱ و معنادار شدن متغیر صنایع کارخانه ای و اینکه متغیر صنایع کارخانه ای نسبت به سایر رشته فعالیت های تجاری از توان اشتغالزایی بالاتری برخوردار است، پیشنهاد می گردد در صورتی که هدف اولیه دولت ایجاد و

توسعه اشتغال باشد، اولویت اعطای وام به بنگاه‌هایی اختصاص یابد که به صورت کارگاهی یا کارخانه‌ای هستند و یا اینکه حداقل امتیازات خاصی را در این مورد در نظر بگیرد.

از آنجا که تعاونی‌ها سهم زیادی در مالکیت بنگاه‌های زودبازده منطقه مورد مطالعه ندارند پیشنهاد می‌گردد به منظور تقویت بنیه مالی و تشکیلاتی فعالان بخش، اولویت مجوز فعالیت و تسهیلات ارزان قیمت بانکی به متقاضیان بخش تعاونی داده شود.

سایر پیشنهادها مطالعه حاضر عبارت‌اند از: ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل مناسب و بهبود سیستم بسته‌بندی، احداث انبارهای مناسب و نظارت بر فرایند توزیع توسط دولت در راستای کمک به بازاریابی محصولات تولیدی بنگاه‌ها، و نظارت و حمایت مستمر فنی در راستای ادامه روند تولید توسط کارشناسان دولتی.

منابع

- بیدختی، ا. (۱۳۸۸). نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط (SME's) صنعتی در خلق فرصت‌های کارآفرینی. *مجله مدیریت بازرگانی*، ۲(۱)، ۱۷۱-۱۹۰.
- مظفری، م. (۱۳۸۶). *صنایع کوچک در اقتصاد امروز*. تهران: انتشارات مازیار.
- میرلطفی، م. ر.، علوی زاده، ا. م. و بدخش، ی. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی بنگاه‌های زودبازده، مطالعه موردی دیشموک در استان کهگیلویه و بویراحمد. *مجله برنامه‌ریزی و تحقیقات روستایی*، ۳(۵)، ۱-۱۲.
- وزارت صنایع و معادن (۱۳۹۲). *گزارش سازمان‌های صنعتی در استان کهگیلویه و بویراحمد: داده‌ها و اطلاعات صنعتی*.
- وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی (۱۳۹۵). *گزارش فعالیت بنگاه‌های زودبازده*. استان کهگیلویه و بویراحمد

- Abraham, J., Strielkowski, W., Vosta, M., & Slajs, J. (2015). Factors that influence the competitiveness of Czech rural small and medium enterprises. *Journal of Agricultural Economic*, 61 (10), 450–460.
- Carter, J. (2002). *Home-based business survey: Report on research to assess the business support and other needs of the home based economy*. Horsham: Horsham District Council.
- Graham, J., Green, W., & Carole, A. (1984). Estimating the parameters of a household Production function with joint products. *The Review of Economics' and Statistics*, 66(2), 277-282
- Hill, B. (2006). *Innovation and small enterprises*. New York: Mc Graw hill.
- Horgan, M. (2001). Policy, regulations and approaches to home- based. *The Review of Economoics and Statistics*, (46), 117-120.
- Janda, K., Rausser, G., & Strielkowski, W. (2013). Determinants of profitability of Polish rural micro-enterprises at the time of EU accession. *Eastern European Countryside*, 19, 177–217
- Matambalya, F. (2001). The role of ICT for the performance of SMEs in East Africa – empirical evidence from Kenya and Tanzania, ZEF – Discussion. *Development Policy*, 42(2), 30-40.
- Pratt, J. (2000). Home-based business: The hidden economy, report for the United States small business administration. *Dallas*, 203(4), 42-45.
- Sharp. D., Ciscel, C., David. H., & Heath, T. (1998). Back to becker: Valuing women's economic contribution from housework with household production Functions. *Journal of Forensic Economics*, 11(3), 215-235.

Tipple, G. (2005). The place of home-based enterprises in the informal sector: Evidence from Cochabamba, New Delhi, Surabaya and Pretoria .*Urban Studies*, 42(4), 611-632

Factors Affecting Job Creation, Small and Medium Agricultural Cooperatives in Kohgiluyeh and Boyer Ahmad Province

S. Y. Zeraatkish^{1*}, A. Mohammadi²

Received: 16/09/2015 Accepted: 17/02/2016

Abstract

The purpose of this study was to investigate factors effecting job creation and pathology problems facing small and medium enterprises sectors, farming, and industry and creating entrepreneurial opportunities in rural areas of the province. The population of the study included 115 small and medium enterprises related both to the farming and industries in the province. The sample according to the method of Morgan and krejcie were randomly selected. The research method in this Regression Test and analytic research was based on library studies and data were collected by means of asking questions and also is analyzed by Eviews and Spss software. According to the results, the number of loans, more installments and initial capital significantly affected the success of cooperatives in creating jobs. Tested problems and challenges with different scores were effective on weakening the development of the SMEs. The problem of transportation system with a (M= 5.42) possessed the maximum effects and Lack of liquidity to continue operating and inadequate information on production and markets in sequence with (M=5.13) and (M=5.02) were in the next ranks and the minimum effect based on their view was related to the inadequate information on production and markets with the average (M=2.65).

Keywords: Jobs, Credits, Small and Medium Enterprises, Agronomy and Horticultural Sector

1. Assistant Professor, Department of Agricultural Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

* Corresponding Author

E-mail: drzeraatkish@gmail.com

2. Director of Production Cooperatives, Ministry of Cooperatives, Labor and Welfare, Tehran, Iran